



مرکز تحقیقات اسلامی


اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



امام خمینی  
و عزاداری  
امام حسین

علیه السلام

علی دوانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# امام خمینی و عزاداری امام حسین (ع)

نویسنده:

علی دوانی

ناشر چاپی:

علی دوانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	امام خمینی و عزاداری امام حسین (ع)
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	نظرات انحرافی نسبت به فرهنگ عاشورا
۸	اوج ضدیت با فرهنگ عاشورا
۹	نمونه‌های عالی توجه امام خمینی به فرهنگ عاشورا
۹	نمونه‌های دیگر
۱۰	توسل به امام فقید برای احیای فرهنگ عاشورا
۱۰	پاسخ قاطع امام خمینی
۱۱	روضه و گریه، اسلام را حفظ کرده است
۱۲	تداوم فرهنگ عاشورا توسط امام فقید
	قبساتی از پیامها و بیانات امام خمینی، احیاگر فرهنگ عاشورا در رابطه با حفظ این فرهنگ که در تداوم نهضت اسلامی ملت ایران نقش اساسی داشته است
۱۳	محرم، ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خدا
۱۳	چرا امام حسین قیام کرد؟
۱۳	محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر
۱۴	لزوم ایستادن در برابر سلطان جائر
۱۴	در برابر سلطان جائر باید ایستاد
۱۵	فرا رسیدن اربعین حسینی
۱۵	عشق به شهادت
۱۵	کشته شدن سیدالشهداء لله بود، و قیام لله شکست ندارد
۱۶	پانزدهم خرداد یکهزار و سیصد و چهل و دو
۱۶	شکست ظاهری و شهادت اهل حق به نفع اسلام است

۱۶ ..... پاورقی

۱۷ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## امام خمینی و عزاداری امام حسین (ع)

### مشخصات کتاب

نویسنده: علی دوانی

ناشر: علی دوانی

### مقدمه

در سال ۱۳۲۸ شمسی که برای ادامه تحصیل به شهر مقدس قم آمدم، و آیت الله العظمی امام خمینی - رضوان الله علیه - را در مجالس عزاداری می‌دیدم، به تعبیر امروز، «فرهنگ عاشورا» در نظرم مجسم می‌شد. امام در بعضی از مجالس سوگواری ائمه اطهار - علیهم السلام - که در مسجد بالاسر حضرت معصومه - سلام الله علیها - یا منزل مرحوم آیت الله العظمی بروجردی برگزار می‌شد، چنان باوقار و آرام می‌نشستند و گوش به سخنان واعظ یا روضه خوان داشتند که نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کرد. امام در آن زمان، استاد سرشناس حوزه و مدرس علوم عقلی بودند. قامت رسا و قیافه جالب و آرامش خاص ایشان طوری بود که چه در راه رفتن و چه در نشستن در مجالس نظر بینندگان را جلب می‌کرد، و کسی را در میان جمع علمای حوزه مانند ایشان نمی‌دیدیم. هنگامی که واعظ به «گریز» می‌رسید، یا روضه خوان شروع به خواندن روضه می‌کرد، حاج آقا روح الله خمینی نخستین کسی بود که دستمال سفید و تمیز خود را از جیب در می‌آورد و به صورت می‌گرفت و گریه را سر می‌داد. اگر تکیه بر دیوار داده بودند، بدون حرکت و تکانی می‌گریستند، و چنانچه خم می‌شدند، می‌دیدید که چطور می‌لرزند و اشک می‌ریزند، و همین که دستمال از صورت برمی‌گرفتند، صورتی پراشک و چشمانی اشک ریخته را می‌دیدید که همان نیز دیگران را به گریستن و اشک ریختن در عزای شهیدان کربلا - یا ائمه اطهار (ع) ترغیب می‌کرد. اصولاً نشستن امام در مجالس عزاداری و گوش دادن به وعظ و واعظ یا روضه خوان حال و هوای خاصی داشت؛ آرام، ساکت، موثر و تمام گوش و چشم بودند؛ گوش به مطلب و چشم به گوینده داشتند. این طرز نشستن در مجالس سوگواری و آمادگی برای گریستن در عزای امام حسین - علیه السلام - و شهیدان کربلا را در کمتر عالمی دیده‌ام: «و ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء». حتی در یک مورد هم دیده نشد که امام در پای منبر و هنگام سخنرانی واعظ - هر که بود - با ذکر مصیبت ذاکر، با اشخاص پهلو دست خودشان صحبت کنند؛ زیرا بی‌احترامی به منبر و منبری بود، بعکس آنچه میان بسیاری از علما مرسوم است، بخصوص علمای نجف که آن را شأنی برای خود می‌دانستند. امام به طرز نشستن در مجالس سوگواری اهل بیت و گوش دادن به وعظ و واعظ یا روضه خوان، و گریستن به هنگام شنیدن مصایب شهدای کربلا به همه نشان دادند که «فرهنگ عاشورا» را باید پاس داشت و حریم آن را نگاه داشت.

### نظرات انحرافی نسبت به فرهنگ عاشورا

در ایام انقلاب و پس از واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و بخصوص بعد از تبعید امام خمینی به ترکیه، و سالها پس از آن که در نجف اشرف اقامت اجباری داشتند، گروههای غیر اسلامی در صف انقلابیون مسلمان رخنه کرده بودند، و به عنوان اینکه همگی در مبارزه و ضدیت با رژیم شاه وحدت نظر داریم و مشترک هستیم، کم کم صحبت از این بود که: باید به فکر «خلق» بود، و نباید خیلی پایبند روضه و گریه و زاری باشیم. گریه چه دردی را درمان می‌کند، و روضه با نگاهداری خشم نسبت به دستگاه جبار منافات دارد! گاهی جوانهایی - حتی مذهبی با قیافه‌های مذهبی - پای منبرها حضور می‌یافتند و به وعاظ و سخنگویان دینی

رهنمود می‌دادند که باید اینطور صحبت بکنید، تا جوانها پای منبرتان حاضر شوند، کمتر روضه بخوانید و سعی نداشته باشید که مردم را بگریانید، بگذارید عقده‌شان خالی نشود و دست از مبارزه بر ندارند! با کمال تأسف، بسیاری از اهل منبر هم فریب آنها را می‌خوردند و تصور می‌کردند روضه و گریستن در سوگ شهدای کربلا- با مبارزه منافات دارد، و به طور ناخودآگاه در دام آن ناهلان افتاده بودند، و همانا نیز کار و عاظ و روضه خوانان دلسوز را مشکل می‌کرد. از یک طرف رسم بود و مردم انتظار داشتند مخصوصاً در ماه محرم و صفر و شبها و روزهای وفیات ائمه اطهار (ع) که منبری‌ها در پایان منبر ذکر مصیبت کنند و روضه بخوانند، و از طرفی جوانان انقلابی سعی داشتند گوش به روضه ندهند و هنگام ذکر مصیبت گریه نکنند. سخنرانان دینی غیر روحانی هم که در گوشه و کنار در مساجد یا مجالس سخنرانی می‌کردند، این آتش را دامن می‌زدند، و خود آنها و فریب خوردگان‌شان روضه خوانی و گریه کردن را استهزا می‌کردند. مشکل کار بیشتر در این بود که بعضی از منبری‌های انقلابی یا انقلابی نماطوری وانمود می‌کردند که گریه کردن و روضه خوانی مورد نظر امام نیست و با هدف ایشان منافات دارد. این مطلب هم طوری جا افتاده بود که هر چه ما می‌گفتیم، اینطور نیست، امام خمینی را ما دیده‌ایم، ایشان علاقه خاصی به روضه دارند، و در مجالس بیش از دیگران گریه می‌کنند، ولی حرف ما خریدار نداشت، و کار امثال ما را حرکت انحرافی در جهت پیش بردن انقلاب می‌دانستند! در این باره گاهی از امام استفتا می‌شد، امام هم طوری جواب می‌دادند که هم جوانان منحرف نشوند، و هم بی‌احترامی به مجالس عزاداری امام حسین - علیه‌السلام - نشود. ولی اشخاص مرموزی تردید در دست خط امام می‌کردند، و اذهان را مشوب می‌ساختند. محرم سال ۱۳۵۴ در شهر ایلام دعوت بودم. یکی دو بار جوانان باایمانی از کرمانشاه به آنجا می‌آمدند و می‌گفتند یک روحانی سید آمده و در کرمانشاه منبر می‌رود و سعی می‌کند که در منبر روضه نخواند. نوار یک سخنرانی او را هم آورده بودند و برای من گذاشتند. او می‌گفت، از این همه گریه چه نتیجه‌ای گرفتیم، گریه یعنی چه، و از این قبیل سخنان.

### اوج ضدیت با فرهنگ عاشورا

به طوری که در چاپ دوم «خاطرات من از استاد شهیدی مطهری» در یک خاطره تحت عنوان «برخوردهای تند جوانان» نوشته‌ام، این جوانان تندرو، به استاد شهید مطهری هم اعتراض داشتند که چرا روضه می‌خواند و خود هم گریه می‌کند! چون من به این قبیل جوانهای تندرو گوش نمی‌دادم، شبی در دهه دوم محرم، متصدی مسجد جامع نارمک - که آنجا منبر می‌رفتم - گفت: آقای دوانی! با این جوانها مدارا کنید، اینها دارند خطرناک می‌شوند. چند شب پیش، شب عاشورا، آقای مطهری اینجا منبر بود. روضه حضرت علی اصغر خواند. هم خودش به شدت گریه کرد، و هم اهل مجلس را گریانید. [۱] بعد از منبر، همین جوانها جمع شدند و با تشدد و بی‌ادبی خاص گفتند: «آقای مطهری! گریه چه بود که کردید، و چه اصراری دارید که ما هم گریه کنیم؟ اگر امام حسین برای مبارزه با ظلم و ظالم قیام کرده و کشته شده که در راه هدف بوده و کشته شدنش گریه ندارد، و اگر گیر افتاد و کشته شده، که معلوم می‌شود درست نقشه نکشیده بود و ضعیف بوده و باز هم نباید گریه کرد!». آری کار به این جا کشیده بود که جوانها، شخصی مانند استاد شهید مطهری را نصیحت می‌کردند، یا اعتراض داشتند که چرا وقایع کربلا را با گریه کردن و گریانیدن مردم بیان می‌کنند. حتی این معنی در شهری مانند اصفهان هم اعمال می‌شد. به یاد دارم مرحوم آیت الله شمس آبادی به من سفارش می‌کرد و می‌گفت: آقای دوانی! سر جدم در منبر روضه بخوان که این روزها اصفهان وضع خاصی پیدا کرده، و اگر روضه نخوانی پیش خدا مسئولی. این عده از جوانان تندرو و کم‌مایه و پرمدعا صغری و کبری می‌چیدند، و نتیجه می‌گرفتند که: «ما طرفدار آیت الله خمینی هستیم و با دستگاہ جبار شاه سر ستیز داریم، مبارزه با گریه منافات دارد، تاریخ گفتن و گریه کردن حالت انحرافی دارد، و باعث می‌شود که مبارزه از مسیری که دارد منحرف گردد». بسیاری از علمای واقع بین و دلسوز در فکر چاره اندیشی بودند، ولی از سعی خود نتیجه نمی‌گرفتند. منبری‌های معتدل دل خون بودند که عاقبت این کار به کجا می‌کشد. می‌شنیدیم که پیوسته اینگونه



وقایع در نجف اشرف به اطلاع امام می‌رسد، و ایشان را در جریان امر قرار می‌دهند، و اعلان خطر می‌کنند، و امام هم - چنانکه گفتیم - ناچار بودند تمام جهات را در نظر بگیرند، و از این رو وضع خاصی به وجود آمده بود.

### نمونه‌ی اعلا‌ی توجه امام خمینی به فرهنگ عاشورا

آقای حاج سید محمد کوثری ذاکر معروف اهل بیت در قم، از سالها پیش روضه خان مخصوص امام بود؛ هم خودش و هم مرحوم پدرش آقا سید علی اکبر کوثری. پدر و پسر که هر دو از ذاکرین قم بودند، آهنگی پرسوز داشتند و روضه با حالی می‌خواندند. قبلا پدر روضه خوان خاص امام بود، و بعد هم پسر، یعنی آقای سید محمد کوثری این افتخار را داشت که تا آخر حیات امام، حتی در تهران هم از این توفیق بهره‌مند بود. هر ساله در ایام عاشورا همه مردم از تلویزیون می‌دیدند که آقای کوثری در حسینیه جماران در مقابل امام ایستاده و روضه می‌خواند، و امام چگونه دستمال سفید به دست گریه می‌کنند. آقای کوثری برای اینجانب نقل می‌کرد - و لابد برای بسیاری دیگر هم نقل کرده است - می‌گفت: «وقتی امام در نجف اشرف بودند، من سفری برای زیارت به کربلا رفتم. در کربلا - عده‌ای از فضلالی شاگردان امام در قم با هم آشنایی داشتیم مرا دیدند و گفتند، آقای کوثری، به داد امام برس! گفتم موضوع چیست؟ گفتند: می‌دانی که آقای حاج آقا مصطفی فرزند دانشمند امام به طرز مرموزی جان داده است. کسی گریه امام را در مرگ او ندیده است. یکی دو بار که طلاب در منزل امام یا در سر تربت حاج آقا مصطفی روضه ایشان را خوانده‌اند، نه تنها امام گریه نکرده، بلکه طلاب را هم منع کرده و گفته‌اند بروید مشغول کارتان شوید. و به خانم، همسرشان نیز فقط گفته‌اند: «مصطفی از الطاف خفیه الهی بود. خدا او را از ما گرفت». می‌گفت: «آنها گفتند، شما زودتر به نجف بروید و خدمت امام برسید و طبق معمول که اجازه می‌گرفتید و در حضورشان روضه می‌خواندید، روضه‌ای بخوانید و اسم حاج آقا مصطفی را ببرید، بلکه بتوانید امام را در مصیبت فرزندشان بگریانید که عقده ایشان خالی شود، و خدای نکرده صدمه‌ای نینند. می‌گفتند، مرگ حاج آقا مصطفی حوزه نجف را عزادار کرده است، لابد ایران و قم نیز همینطور است، ولی خود امام را کسی ندیده که متأثر باشد و گریه کند». آقای کوثری افزود: «وارد نجف شدم و پس از زیارت، خدمت امام رسیدم، و بعد از تسلیت و مختصر احوالپرسی عرض کردم اجازه می‌دهید طبق معمولم در حضورتان روضه‌ای بخوانم؟ فرمودند: بفرمایید!». پس از مقدمه کوتاهی، هرچه راجع به حاج آقا مصطفی می‌دانستم که چقدر مورد علاقه امام بود و شخصیتی ممتاز داشت، بیان کردم، و با تکیه به صوت گفتم، حضرت آیت الله! آجرک الله در مرگ فرزند عزیز می‌همچون حاج آقا مصطفی، چه فرزند می‌باشی، فرزند دانشمند لایقی... در تمام این مدت، امام بدون تغییر حال گوش می‌دادند و کوچک‌ترین اثری برای گریستن در ایشان پیدا نشد. هر چه به این در و آن در زدم بلکه امام در مرگ فرزند اشکی بریزند نتیجه نداشت. ناچار گریز زدم به کربلا - و آمدن امام حسین - علیه‌السلام - به بالین حضرت علی اکبر. همین که گفتم، قربان غریبت یا ابا عبدالله! وقتی آمدی به بالین فرزند رشیدت علی اکبر، امام دستمال از جیب در آوردند و به قدری گریستند که تا آن موقع کمتر دیده بودم. هنگامه‌ای شد، و از این طرف به فکر افتادم که نکند حال امام دگرگون شود، و من از کارم پشیمان شوم. ناچار روضه را طول ندادم و ختم کردم. گریه امام را در ذکر مصیبت امام حسین - علیه‌السلام - و شهدای کربلا دیده بودم، اما نه آن طور که آن روز دیدم.

### نمونه دیگر

یکی از نزدیکان امام خمینی که در پاریس در خدمت امام بوده و تمام لحظه‌های شبانه روز معظم له را زیر نظر داشته، نقل می‌کرد که وقتی در پاریس بودیم من مراقب بودم، هر بار که اخبار تلفنی را به امام می‌دادند، و می‌گفتند در تهران و فلان شهر چه شده، مردم را کشته‌اند، به فلان جا حمله کرده‌اند، کجا را گرفته‌اند، عده‌ای را بازداشت کرده‌اند، مسجد کرمان را سوزانده‌اند به قم حمله

کرده‌اند، و طلاب را دستگیر کرده و به زندان انداخته، یا انقلابیون را در زندان به سختی شکنجه داده‌اند، و از این قبیل اخبار وحشتناک، هر بار حاضران به سختی می‌گریستند، ولی امام فقط گوش می‌دادند و چنان که شأن یک رهبر انقلابی است، صبر انقلابی می‌نمودند. اما همین که یکی از حاضران به مناسبت ماه محرم شروع به خواندن روضه می‌کرد، امام آن چنان منقلب می‌شدند و شروع به گریستن می‌نمودند که می‌دیدیم اشک مهلت نمی‌دهد. از هر دو چشم امام چنان اشک می‌ریخت که پهنای صورتشان را می‌گرفت. و در یک کلام به پهنای صورتشان اشک می‌ریختند. راستی این چه حالتی بود که در امام می‌دیدیم و می‌دیدند؟ این حالت ما را به یاد جد بزرگوارش حضرت امیرالمؤمنین - علیه‌السلام - می‌اندازد که شاعر می‌گوید: هو البكاء فی المحراب لیلًا هو الضحاک اذا اشتد الظراب یعنی: علی - علیه‌السلام - دارای دو جنبه متضاد بود: شبانه در محراب صدای گریه‌اش بلند است، ولی در میدان جنگ لبخند بر لب داشت.

### توسل به امام فقید برای احیای فرهنگ عاشورا

پس از بازگشت امام خمینی به وطن و تعیین دولت موقت، چنانکه همه می‌دانیم، امام از تهران به قم رفتند و ماندگار شدند، ولی چون دولت موقت نتوانست انجام وظیفه کند، در حوادث کردستان امام خود به تهران بازگشتند و تا پایان عمر هم در تهران بودند. در ایامی که امام در قم اقامت داشتند، دو سه هفته مانده به ماه رمضان ۱۳۹۹ خطیب نامی عصر، جناب آقای فلسفی تلفن کردند و فرمودند، ماه رمضان نزدیک می‌شود، من و عده‌ای از وعاظ مشهور تهران عازم قم هستیم که خدمت امام برسیم، و از ایشان رهنمودی برای ماه مبارک رمضان بگیریم، چون کار چنان حاد است که فقط با اعلام رسمی امام می‌توان منبر را به صورت اول برگردانید. گفتم، من که منبری رسمی نیستم. فرمودند، باید بیایی، چند اتومبیل جلو خانه ما آماده است، فردا فلان ساعت حرکت می‌کنیم، حتماً باید بیایی. به خانه جناب آقای فلسفی رفتیم و عازم قم شدیم. به امام اطلاع دادند که آقای فلسفی با وعاظ مشهور تهران آمده‌اند که برای ماه رمضان رهنمود بگیرند. امام تشریف آوردند و در جمع ما نشستند. جناب آقای فلسفی در سخنان کوتاهی گفتند: آقا، اطلاع دارید که در سنوات اخیر منبر و مسئله گریستن و عزاداری امام حسین چه وضعی پیدا کرده است. به مردم القا کرده‌اند که عزاداری یعنی چه، و روضه و گریه کردن چه چیزی را حل می‌کند، و از این قبیل مطالب. اهل منبر سخت در فشارند، مردم همه کم و بیش بی تفاوت شده‌اند. آمده‌ایم از حضرتعالی رهنمود بگیریم. واقعا تکلیف ما چیست. در منبر بخصوص ماه مبارک رمضان و محرم و صفر اکتفا کنیم به سخنرانی خشک، یا چنان که سابقه داشته، ذکر مصیبت هم بکنیم و روضه بخوانیم؟ (قریب به این مضمون).

### پاسخ قاطع امام خمینی

امام فقید در پاسخ جناب آقای فلسفی مطالب بسیار جالبی بیان داشتند که همان نیز نقطه عطفی در احیای فرهنگ عاشورا بود. اگر آن بیانات قاطع و صریح امام نبود، وضع حاکم بر افکار جوانان آن روز رفته رفته «فرهنگ عاشورا» را به دست فراموشی می‌سپرد و معلوم نبود کار به کجا بکشد. درست به یاد ندارم که رادیو و تلویزیون و جراید چه مقدار از بیانات امام را منعکس کردند، ولی هر چه بود، قضیه در اندک زمانی در همه جا انعکاس یافت و به اصطلاح سد شکسته شد و راه را برای اشاعه فرهنگ عاشورا گشود. جالب است که اوج انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی از بیانات آن حضرت در روز عاشورای سال ۱۳۸۳ و ۱۲ محرم آن سال، مطابق ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ آغاز شد و به ثمر رسیدن آن هم با راهپیماییهای میلیونها نفری مردم تهران و شهرستانها در روزهای تاسوعا و عاشورا و اربعین سال ۱۳۹۹ قمری بود، که به دنبال آن شاه از کشور خارج شد و امام فقید در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ پس از چهارده سال دوری از وطن به کشور بازگشتند و انقلاب اسلامی را در ۲۲ بهمن همان سال به ثمر رساندند، و در ۱۲

فروردین ۱۳۵۸ جمهوری اسلامی ایران را تاسیس نمودند.

## روضه و گریه، اسلام را حفظ کرده است

در آن جلسه امام خمینی - قدس سره - در پاسخ آقای فلسفی سر آمد و عاظم و خطبای ایران، ضمن بیانات مفصلی تصریح کردند که اگر روضه و گریه و نوحه سرایی و عزاداری امام حسین (ع) و شهدای کربلا نبود، اسلام با اعمال بنی‌امیه از بین رفته بود. کربلا و فرهنگ عاشورا، اسلام را حفظ کرد، و باید این مکتب به همان سبک سنتی آن حفظ شود. سرآغاز و قسمتی از بیانات امام بدین گونه است: بسم الله الرحمن الرحیم من چند جمله راجع به تکالیف کلی روحانیون و اهل محراب و منبر باید عرض بکنم، و بعد از مشکلاتی که هست. آقایان روحانیون و خصوص اهل منبر، خطبا، اینها سخنگوی اسلام هستند. اگر حکومتی سخنگو می‌خواهد، سخنگوی اسلام، آقایان خطبا هستند... سیدالشهدا به داد اسلام رسید؛ سیدالشهدا اسلام را نجات داد. روضه سیدالشهدا برای حفظ مکتب سیدالشهداست. کسانی که می‌گویند روضه سیدالشهدا را نخوانید، اصلاً نمی‌فهمند مکتب سیدالشهدا چه بوده، و نمی‌دانند یعنی چه. نمی‌دانند این گریه‌ها و این روضه‌ها این مکتب را حفظ کرده. الآن هزار و چهار صد سال است که با این منبرها، با این روضه‌ها و با این مصیبت‌ها و با این سینه زنیها، ما را حفظ کرده‌اند، و تا حالا اسلام را آورده‌اند. این عده از جوانهایی (که این طور نیست که سوء نیت داشته باشند) خیال می‌کنند که ما باید حرف روز بزیم، حرف سیدالشهدا حرف روز است، همیشه حرف روز است. اصلاً حرف روز را سیدالشهدا آورده است، و به دست ما داده. سیدالشهدا و مکتبش را این گریه‌ها و این مصیبت‌ها و داد و قالها و این دستجات حفظ کرده است. اگر فقط - آدم مقدسی بود و توی اتاق خانه می‌نشست و هی برای خودش زیارت عاشورا می‌خواند و تسبیح می‌گرداند، چیزی باقی نمی‌ماند. هر مکتبی هياهو می‌خواهد. باید پایش سینه بزنند. هر مکتبی تا پایش سینه زن نباشد، تا پایش گریه نباشد، تا پایش توی سر و سینه زدن نباشد، حفظ نمی‌شود. اینها اشتباه می‌کنند. بچه‌اند اینها نمی‌دانند که نقش روحانیت و نقش اهل منبر در اسلام چه هست. این نقش یک نقشی است که اسلام را همیشه نگه داشته، این گریه‌ها زنده نگه داشته مکتب سیدالشهدا را، این ذکر مصیبت‌ها نگه داشته مکتب سیدالشهدا را. ما باید برای یک شهیدی که از دستان می‌رود، علم به پا کنیم، نوحه خوانی کنیم، گریه کنیم، فریاد کنیم، دیگران می‌کنند، دیگران فریاد می‌زنند. فرض کنید وقتی یکی از آنها کشته شود، فرض کنید از یک حزبی یکی کشته بشود، میتینگ‌ها می‌دهند، فریادها می‌کنند، این عزاداریها یک میتینگ است برای احیای مکتب سیدالشهدا، و اینها ملتفت نیستند، توجه به مسائل ندارند. همین گریه‌ها این مکتب را تا اینجا نگه داشته، همینهاست که این نهضت را پیش برده. اگر سیدالشهدا نبود، نهضت هم پیش نمی‌برد! سیدالشهدا همه جا هست: «کل ارض کربلا». همه جا محضر سیدالشهداست. همه منبرها محضر سیدالشهداست. همه محرابها از سیدالشهداست. اگر سیدالشهدا نبود، یزید و پدرش و اعقابشان اسلام را منسی کرده بودند. اگر نسیان شده بود، یک رژیم طاغوتی در خارج منعکس شده بود. معاویه و یزید داشتند یک رژیم طاغوتی را معرفی می‌کردند. اگر سیدالشهدا نبود این رژیم طاغوتی را تقویت می‌کردند، و به جاهلیت برمی‌گرداندند. اگر حالا من و تو هم مسلم بودیم، مسلم طاغوتی بودیم، نه مسلم امام حسین! امام حسین اسلام را نجات داد. ما برای آدمی که اسلام را نجات داده و رفته کشته شده، هی سکوت کنیم؟ ما هر روز باید گریه کنیم. ما هر روز باید برای حفظ این مکتب منبر برویم. ممکن است بعضی از آنها سوء نیت داشته باشند. بعضیها هم روی نقشه کار می‌کنند. همان طوری که زمان رضا خان بود. منتها او قدری نفهمی کرد، و بعدها روی فهمیدگی، جلو همه منبرها را گرفت. نگذاشت کسی منبر برود. محرابها را هم یک جور دیگری گرفت. در همه قم یک مجلس روضه‌ای نداشتند. آن وقتها می‌گفتند یک مجلس آقای صدوقی [۲] در شب داشت که قبل از اذان یا قبل از آفتاب تمام می‌شد. نه این است که من باب اتفاق رضا خان آمد منبرها را نگذاشت و محرابها را جلویش (را) گرفت و روحانیون را متحد الشکل کرد. نخیر، این مسئله نقشه بود. نقشه هم این بود که این قوه را بکوبند و این قدرت را از دست ما بگیرند. این قشرهای

سیاسی نمی‌دانند که این منبر و محراب چه خدمتی به این کشور کرده است. اینها اگر ملتی هستند - ما کار نداریم که آیا به خدا هم کار دارند یا نه - اگر ملی هستند، اگر می‌گویند کشورشان و ملت را می‌خواهند، باید دامن بزنند به این روضه خوانیها، برای اینکه این روضه خوانیها ای ملت را حفظ کرده، این روضه خوانیها و مصیبت (خوانی) و گریه است که کشور شما را حفظ کرده (است). بله، اگر یک مردمی هستند که روی همان نقشه‌ای که مطرح شده است، باید قدرت اسلام و روحانی و خطیب گرفته بشود تا راه باز بشود برای آنهايي که باید استفاده کنند، و استفاده هم کردند، آنها مردم دیگری هستند که با آنها نمی‌توانیم حرف بزنیم. اما سایر مردم؛ اینهایی که به مسجد می‌آیند، منبر را گوش می‌کنند، مطالب را گوش می‌کنند، همچو که به روضه می‌رسند، رد می‌شوند می‌روند! این ارزیاب این است که ملتفت نیستند روضه چه هست. آن روضه است که این محراب، این منبر را حفظ کرده، اگر آن روضه نبود، این منبر هم نبود، این مطالب هم نبود. ما باید برای شهیدمان گریه کنیم، فریاد کنیم، مردم را بیدار کنیم. البته یک مطلبی هم که بین همه ما باید باشد، این است که به مردم بفهمانیم که همه‌اش این نیست که ما می‌خواهیم ثواب ببریم. قضیه این است که ما می‌خواهیم پیشرفت کنیم. سیدالشهدا هم که کشته شد، نه اینکه رفتند یک ثوابی ببرند. ثواب برای او خیلی مطرح نبود، رفت که مکتب را نجات بدهد. اسلام را پیشرفت بدهد. اسلام را زنده کند. شما هم که دارید نوحه خوانی می‌کنید، حرف می‌زنید، خطبه می‌خوانید، نوحه می‌خوانید، مردم را به گریه وادار می‌کنید، مردم هم گریه می‌کنند، همه روی این مقصد باشد که می‌خواهیم اسلام را با همین هیاهو حفظ کنیم. با این هیاهو، با این گریه، با این نوحه خوانی، با این شعر خوانی، با این نثر خوانی می‌خواهیم این مکتب را حفظ کنیم، چنانچه تا حالا هم حفظ شده است. باید این نکته هم به مردم گفته شود و تذکر داده بشود که آقا، قضیه روضه خوانی این نیست که من یک چیزی بگویم و یکی هم گریه کند. قضیه این است - که وقایع کربلا - با گریه حفظ شده است، حتی تباکی [۳] هم ثواب دارد. خوب، تباکی چرا ثواب دارد؟ برای اینکه تباکی کمک می‌کند به این مکتب. سخن اینها اشتباه است. اینها یک طرف قضیه را می‌بینند و یک طرف دیگر را هم نمی‌بینند، و مع الاسف ما همیشه، یعنی اسلام همیشه مبتلا بوده به این یک طرف دیدنها! این که روایت است که اسلام غریب است، از اول غریب بوده، و الآن هم غریب است. [۴] برای اینکه آن را نمی‌شناسند، و هیچوقت هم آنطور که باید شناخته نشده است...» [۵].

### تداوم فرهنگ عاشورا توسط امام فقیه

در سالهای پس از بازگشت امام به وطن، چه مدتی که در قم بودند، و چه سالهایی که تا پایان زندگانی در تهران و حسینیة جماران به سر می‌بردند، همه در تلویزیون می‌دیدند که امام فقیه پس از شهادت آیت الله شهید مطهری، یا فاجعه حزب جمهوری و شهادت هفتاد و سه چهار تن، آیت الله شهید بهشتی و سایر علما و رجال محبوب و دکتر محمد جواد باهنر نخست‌وزیر روحانی و مورد احترام امام، و هنگامی که رزمندگان به حضورشان می‌رسیدند و مواردی دیگر، هر گاه امام سخن می‌گفت، و از آن حوادث دردناک یاد می‌کرد و صدای ناله و گریه و زاری حاضران بلند می‌شد، حتی یک بار هم دیده نشد که امام خم به ابرو بیاورند، فقط آثار تأسف و تأثر در چهره‌شان پیدا بود، ولی همین که در ایام سوگواری عاشورا آقای کوثری ذاکر اهل بیت از شهدای کربلا نام می‌برد، امام دستمال سفید را از صورت برمی‌داشتند، به خوبی معلوم بود که چقدر گریسته‌اند. هنوز هم وقتی مردم آن صحنه‌ها را در تلویزیون می‌بینند، منقلب می‌شوند و بی‌اختیار می‌گریند، و این حالت خاص امام فقیه در شناخت فرهنگ عاشورا بخوبی در نظرها مجسم می‌شود. همانطور که گفتیم، مبدأ انقلاب اسلامی توسط امام خمینی، سخنرانی ایشان در روز عاشورا در مدرسه فیضیه قم، و ملت‌های آن نیز یاد کربلا و فرهنگ عاشورا بود. ملت ایران و جهانیان دیده‌اند، و هم اکنون در فیلم‌های ایام جنگ هشت ساله تحمیلی می‌بینند که مهیج‌ترین پیشبندهای رزمندگان اسلام در جبهه‌های حق بر ضد باطل، «یا حسین شهید» و مشهورترین شعار آنها سخن سیدالشهدا در روز عاشورا بود که می‌گفت: «یهات منا الذله»، و انقلابی‌ترین نوایی که سر می‌دادند هم، «برای فتح کربلا،

پیش به سوی جبهه‌ها» بود. من عقیده دارم و شاید عقیده همه باشد که اگر یاد امام حسین و کربلا و فرهنگ عاشورا نبود که امام فقید در تمام مراحل انقلاب به آن توجه داشتند و همه را به حفظ آن توصیه می‌فرمودند، انقلاب اسلامی ملت ایران به ثمر نمی‌رسید، و جنگ تحمیلی ابر قدرتها به میانداری رژیم بعث عراق بر ضد ایران اسلامی، بدان گونه پایان نمی‌یافت که یک وجب از خاک ما به دست دشمن نیفتد، آن هم با فقدان همه گونه امکانات و محاصره همه جانبه ما توسط دول استکباری.

## قبساتی از پیامها و بیانات امام خمینی، احیاگر فرهنگ عاشورا در رابطه با حفظ این فرهنگ که در تداوم نهضت اسلامی ملت ایران نقش اساسی داشته است

برای اینکه بدانیم امام خمینی - قدس سره - در تمام مراحل نهضت، فرهنگ عاشورا را مد نظر داشته و آن را ضامن نهضت اسلامی و تداوم آن می‌دانسته‌اند، قبساتی از پیامها و بیانات آن حضرت - قدس سره - در مقاطع مختلف زمانی را در این جا می‌آوریم، و توجه خوانندگان را به آن معطوف می‌داریم، تا شاهدی گویا برای منظور ما در این نوشتار کوتاه باشد، که «امام خمینی احیاگر فرهنگ عاشورا» است. امام خمینی - قدس سره - در پیام رسمی و کتبی خود که از فرانسه در تاریخ ۲ / ۱۱ / ۱۳۵۷ به ملت ایران در رابطه با کشتار وحشیانه رژیم شاه در ماه محرم آن سال داده‌اند، از جمله می‌نویسند:

### محرم، ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خدا

«... سلام و درود بر ملت هوشمند ایران که با همه اختناق و فشار، از اسلام عدل پرور و مظلومان و مقتولان در راه دیانت دفاع نمودند. رحمت خدا بر مقتولین پانزده خرداد، دوازدهم محرم، و نوزده دی، بیست و نهم محرم امسال. محرم چه ماه مصیبت‌زا، و چه ماه سازنده و کوبنده‌ای است! محرم ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خداست که با قیام خود در مقابل طاغوت تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داد، و راه فنای ظالم و شکستن ستمکار را به فدایی دادن و فدایی شدن دانست، و این خود سرلوحه تعلیمات اسلام است برای ملتها تا آخر دهر. نهضت دوازده محرم و پانزده خرداد در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب به پیروی از نهضت مقدس حسینی چنان سازنده و کوبنده بود که مردانی مجاهد و فداکار به جامعه داد که با تحرک و فداکاری روزگار را بر ستمکاران و خائنان سیاه نمودند...» [۶].

### چرا امام حسین قیام کرد؟

«... حجت ما در نزاع با دستگاه جبار پهلوی، مبارزات حضرت امیر (ع) و حضرت سیدالشهداست. یزید هم یک سلطان و یک قدرتمند بود. یزید هم بساط سلطنت را داشت. بعد از معاویه او بود. حضرت سیدالشهدا به چه جهت با سلطان عصرش طرف شد؟ با «ظل الله» طرف شد، که نباید سلطان را دست زد؟ سلطان عصری که شهادتین را سر می‌داد و می‌گفت. من خلیفه پیغمبر هستم، برای این بود که یزید یک آدم قاچاق بود. برای اینکه آدمی بود که می‌خواست ملت اسلام را استثمار کند، و منافع ملت اسلام را خودش و اتباعش بخورد...» [۷].

### محرم، ماه پیروزی خون بر شمشیر

بسم الله الرحمن الرحیم «با حلول ماه محرم، ماه حماسه و شجاعت و فداکاری آغاز شد؛ ماهی که خون بر شمشیر پیروز شد؛ ماهی که قدرت حق، باطل را تا ابد محکوم و داغ باطله بر جبهه ستمکاران و حکومت‌های شیطانی زده؛ ماهی که به نسلها در طول تاریخ، راه پیروزی بر سر نیزه را آموخت؛ ماهی که شکست ابرقدرتها را در مقابل کلمه حق به ثبت رساند؛ ماهی که امام مسلمین راه

مبارزه با ستمکاران تاریخ را به ما آموخت، ماهی که باید مشت گره کرده‌ی آزادیخواهان و استقلال طلبان و حقگویان بر تانکها و مسلسلها و جنود ابلیس غلبه کند و کلمه حق، باطل را محو نماید. امام مسلمین به ما آموخت که در حالی که ستمگر زمان بر مسلمین حکومت جابرانه می‌کند، در مقابل او - اگر چه قوای شما ناهمانگ باشد - به پا خیزید و استنکار کنید. اگر کیان اسلام را در خطر دیدید، فداکاری کنید و خون نثار نمایید...» [۸].

### لزوم ایستادن در برابر سلطان جائر

«... بار دیگر دست جنایتکار شاه از آستین خیانتکار دولت یاغی نظامی بیرون آمد و ملت ایران را در آستانه ماه محرم؛ ماه مقابله اسلام و حق و عدالت با جنود شیطان و طاغوت به خاک و خون کشید... اکنون دشمنان اسلام و ایران و هواداران رژیم یزیدی، در مقابل هواداران قرآن و اسلام و مخالفان سر سخت رژیم طاغوتی ابوسفیانی، صف بندی نموده و می‌خواهند شعار اسلامی و حسینی را که برای احیای اسلام و به دست آوردن آزادی و استقلال و برقراری حکومت قرآن به جای سلطه شیطان و حکومت قانون عدل در مقابیل حکومت جنگل است... این ملت، شیعه‌ی بزرگترین مرد تاریخ است که با تنی چند، نهضت عظیم عاشورا را برپا نمود و سلسله اموی را برای ابد در گورستان تاریخ دفن نمود و به خواست خدای تعالی، ملت عزیز و پیرو خط امام - علیه‌السلام - با خون خود، سلسله ابلیسی پهلوی را در قبرستان تاریخ دفن می‌نماید و پرچم اسلام را در پهنه‌ی کشور، بلکه کشورها به اهتزاز در می‌آورد». [۹].

### در برابر سلطان جائر باید ایستاد

«... از حضرت سید الشهداء - سلام الله علیه - خطبه‌ای نقل شده است که در آن خطبه علت قیام خودشان را بر ضد حکومت وقت (یزید بن معاویه) ذکر فرموده‌اند: و آن این است که فرموده‌اند خطاب به مردم که پیغمبر اکرم فرموده است که: «کسی که ببیند سلطان جائری حلال می‌شمرد حرمت الله را، چیزهایی را که خداوند حرام کرده است، این آزاد می‌گذارد، و مخالف سنت رسول الله عمل می‌کند، و عهد خدا را می‌شکند، اگر کسی دید که یک سلطان جائری این کارها را می‌کند و مع ذلک ساکت شد و با قول خودش، با عمل خودش، این انحرافی را که سلطان جائر پیدا کرده است تغییر نداد، خدای تبارک و تعالی حتم کرده است بر خود که او را هم در آخرت در جای همان سلطان جائر قرار بدهد. ولو این آدم که این چیزها را می‌بیند و ساکت است، همه کارهای واجب و مستحب (را) هم به جا بیاورد، آدمی باشد که سر وقت نماز می‌خواند، به مساجد می‌رود، آدمی باشد که احکام خدا را ترویج می‌کند، موافق رضای خدا عمل می‌کند، همه کارهای خوب را (عمل) می‌کند، از همه کارهای بد هم اجتناب می‌کند، لکن ساکت است در مقابل سلطان جائر، بر حسب این روایتی که از حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - نقل شده است [۱۰] که به منزله علت قیام ایشان است بر ضد حکومت وقت، این است که می‌خواهند عمل به قول رسول الله بکنند، و کسی که تخلف بکند، جای او جای همان سلطان جائر است. یعنی در طبقه‌ای از جهنم که سلطان جائر قرار دارد، این آدم هم که ساکت است، و می‌خواهد که سلطان جائر هر کاری می‌خواهد بکند، جایش در جای همان سلطان است...حالا ببینیم یزید چه کرده است که حضرت سیدالشهدا - سلام الله علیه - در مقابلش قیام کرد، و همچو مطلبی را فرموده‌اند، و برنامه داده‌اند. مطلبی که حضرت سیدالشهدا فرموده‌اند مال همه است، مطلبی است عمومی. هر کس ببیند یک سلطان جائری اتصاف به این امور دارد و در مقابلش ساکت بنشیند، نه حرف بزند و نه عملی انجام بدهد، این آدم جایش در جای همان سلطان جائر است. یزید یک آدمی بود که به حسب ظاهر تشبث به اسلام بود، و خودش را خلیفه حساب می‌کرد و نماز هم می‌خواند، همه این کارها را که ما می‌کنیم او هم می‌کرد، اما از آن طرف معصیت کار بود، با سنت رسول الله مخالفت می‌کرد. سنت رسول الله این بود که باید حفظ دماء مسلمین



بشود، او دماء مسلمین را می‌ریخت. باید مال مسلمین هدر نرود، او مال مسلمین را هدر می‌داد. همان شیوه‌ای که پدرش معاویه هم داشت، و امیرالمؤمنین در مقابل او قیام کرد منتهی امیرالمؤمنین لشکر هم داشت، ولی سیدالشهدا عدد خیلی کمی در مقابل یک ابرقدرت بود. ما می‌بینیم که این کارها که او (یزید) کرده است، با این حکام وقت ما، و سلطان وقت ما تطبیق می‌شود. این مسائلی است که رسول الله فرموده است، اینها تطبیق می‌شود بر این سلطان (محمد رضا پهلوی)، زیرا سلطان جائز است. این معلوم است که الان سلطه دارد. «سلطان» یعنی سلطه دارد. الان (محمد رضا) سلطه دارد و جائز هم هست. خودش هم شاید قبول داشته باشد که جائز است. همه کس هم می‌داند که این آدم جائز است. خوب، مخالفت سنت رسول الله را نکرده؟ هر چه رسول الله فرموده است، ایشان عمل کرده؟ بله، در ایام عمرش برای اینکه من و شما را بازی بدهد، یک دفعه هم می‌رود به حرم حضرت رضا (ع)، و آن جا یک دو رکعت نماز می‌خواند، و حرفهایی هم آنجا می‌زند. این چیزها برای اغفال من و شماست...» [۱۱].

### فرا رسیدن اربعین حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم اربعین سید مظلومان و سرور شهیدان - صلوات الله و سلامه علیه - رسید، و بر ملت رشید و آگاه ما اربعین‌های سودمندی گذشت. ما در این سالها به دنبال بیش از پنجاه سال سلطنت غاصبانه سلسله پهلوی با چه مصیبت‌هایی و بی‌فرهنگی‌های خانمانسوزی مواجه بوده‌ایم... امسال اربعین امام امت در خلال اربعین‌های پیروان و شیعیان آن بزرگمرد اسلام واقع شده، و گویی خون شهیدان ما امتداد خون پاک شهیدان کربلاست، و اربعین اخیر برادران ما، بازتاب اربعین آن دلاوران می‌باشند. خون طاهر آنان به حکومت طاغوتی یزید خاتمه داد، و خون پاک اینان سلطنت طاغوتی را به هم پیچید. اربعین امسال استثنایی و نمونه است. راهپیمایی و تظاهرات پرشور در این اربعین، وظیفه شرعی و ملی است...» [۱۲].

### عشق به شهادت

«... وقتی که ما برای اسلام و برای احیای سنت پیغمبر و اقامه عدل به پا خاستیم، نباید از این بترسیم که اولادمان شهید می‌شوند، خودمان شهید می‌شویم. این یک سیره‌ای بوده است که از اول در اسلام بوده است. از اول اسلام پیغمبر خدا و ائمه ما فداکاری کردند، و شهادت نصیبشان شد. حضرت علی بن الحسین (علی اکبر) به پدر بزرگوارشان عرض می‌کند که (مگر) ما بحق نیستیم؟! می‌فرماید چرا، ما بحقیم. می‌فرماید، پس از مردن نمی‌ترسیم (اذا لا نبالی بالموت). کسی باید از مردن بترسد که خیال کند بعد از مردن خبری نیست، همه‌اش همین زندگانی حیوانی است... زندگی انسانی در یک عالم دیگری است؛ بالاتر از اینجاست. این دیگر ترسی ندارد، خوفی ندارد. انسان از این محل به محل دیگری منتقل می‌شود که بهتر از اینجاست. بنابراین، این معنایی که در صدر اسلام هم بوده است که اصحاب پیغمبر از شهادت استقبال می‌کردند، و برای شهادت از هم پیشی می‌گرفتند، اصحاب سیدالشهدا برای شهادت استقبال می‌کردند و از هم پیشی می‌گرفتند، روی همین ایمان راسخ بوده است. شهادت مطلبی نیست که انسان به کلی از بین برود، تا اینکه (تصور شود) دیگر غیر از این (عالم) خبری نباشد. شهادت از این عالم منتقل شدن به یک عالم بالاتر و نورانی تر است که همه چیزش از اینجا بهتر است...» [۱۳].

### کشته شدن سیدالشهداء لله بود، و قیام لله شکست ندارد

«... حضرت امیر - سلام الله علیه - با معاویه جنگ کردند و شکست خوردند، و لکن شکست نبود. این شکست صوری شکست حقیقی نبود. چون قیام لله بود، قیام لله شکست ندارد، تا امروز هم او غالب است، تا ابد هم او غالب است. سیدالشهدا - سلام الله علیه - با چند نفر از اصحاب، چند نفر از ارحامشان، از مخدراتشان قیام کردند، چون قیام لله بود، اساس سلنت آن خبیث (یزید) را در هم

شکستند. در صورت - ظاهر - ایشان کشته شدند، لکن اساس سلطنت را شکستند. اساس سلطنتی که می‌خواست اسلام را به صورت سلطنت طاغوتی در آورد. خطری که معاویه و یزید برای اسلام داشتند، این نبود که غضب خلافت کردند. این خطر کمتری بود. خطری که اینها داشتند این بود که می‌خواستند اسلام را به صورت سلطنت در آورند. می‌خواستند به اسم این که ما خلیفه رسول الله هستیم اسلام را منقلب کنند به یک رژیم طاغوتی، این مهم بود. آنقدر که این دو نفر می‌خواستند ضرر به اسلام بزنند، یا زدند، جلوتری‌ها نزدند. اینها می‌خواستند اساس اسلام را وارونه بکنند. سلطنت بود، در مجالسشان شرب خمر بود، قمار بود. خلیفه رسول الله و در مجلس شرب خمر؟ و در مجلس قمار! و باز خلیفه رسول الله، نماز هم با جماعت می‌خواند. این خطر برای اسلام بزرگ بود. این خطر را سیدالشهدا دفع کرد. قضیه فقط قضیه غضب خلافت نبود. قیام سیدالشهدا - سلام الله علیه - قیام بر ضد سلطنت طاغوتی بود. سلطنت طاغوتی که اگر - یزید - توفیق پیدا می‌کرد، اسلام یک چیز دیگر می‌شد. اسلام می‌شد مثل رژیم ۲۵۰۰ ساله سلطنت... کشته شدن سیدالشهدا - سلام الله علیه - چون قیام الله بود، قیام الله شکست ندارد... خدا می‌فرماید، من فقط یک موعظه دارم: «قل انما اعظکم بواحدۀ، ان تقوموا!... وقتی دیدید دین خدا در خطر است، برای خدا قیام کنید. امیرالمومنین می‌دید که دین خدا در خطر است، معاویه دارد دین خدا را وارانه جلوه می‌کند، برای خدا قیام کرد. سیدالشهدا هم همینطور قیام کرد. این یک مطلبی است که برای یک وقت نیست. موعظه خدا همیشگی است. هر وقت دیدید که خواستند بر ضد اسلام، بر ضد رژیم انسانی، اسلامی الهی قیام کنند، خواستند مسائل اسلام را وارونه کنند، به اسم اسلام، اسلام را بکوبند، اینجا باید قیام کرد، و نترسید از اینکه شاید نتوانیم، شاید شکست بخوریم» [۱۴].

### پانزدهم خرداد یک هزار و سیصد و چهل و دو

«...پانزده خرداد از همین مدرسه - فیضیه - شروع شد. عصر عاشورا در همین مدرسه اجتماع عظیم بود، و بعد از این صحبت‌هایی و افشاگری‌هایی شد، دنباله آن منتهی به پانزده خرداد شد...» [۱۵].

### شکست ظاهری و شهادت اهل حق به نفع اسلام است

بسم الله الرحمن الرحيم من باید با آقایان روحانی و پاسدارهای محترم و سایر آقایان محترم که تشریف دارند، خطرهایی که حالا متوجه ماست، و اشکالاتی که در حال حاضر داریم، و موضعی که ما در این وقت داریم فی الجمله عرض کنم. من در مجامع دیگر هم مطلب را چون اهمیت دارد گفته‌ام، باز هم تکرار می‌کنم... شهادت سیدالشهدا به اسلام هیچ لطمه‌ای وارد نیاورد، اسلام را جلو برد. اگر نبود شهادت ایشان، معاویه و پسرش اسلام را یک جور دیگری در دنیا جلوه داده بودند، به اسم خلیفه رسول الله، با رفتن به مسجد، اقامه جمعه و امام جمعه بودن، اقامه جماعت و امام جماعت بودن. اسم، اسم خلافت رسول الله و حکومت، حکومت اسلام بود، لکن محتوا برخلاف. نه حکومت بر حسب محتوا حکومت اسلامی بود و نه حاکم، حاکم اسلامی. سیدالشهدا - سلام الله علیه - نقشی را که اینها داشتند برای برگرداندن اسلام به جاهلیت و نمایش دادن اسلام به اینکه نظیر همان چیزهای سابق است، آن را باطل کرد... سیدالشهدا خودش را برای اسلام به کشتن داد، همان اسلامی که حالا به دست ما افتاده، و مع الاسف بعضی از ما با آن بازی می‌کنند...» [۱۶].

### پاورقی

[۱] شهید مطهری مقید بود که شب عاشورا روضه حضرت علی اصغر طفل ششماهه امام حسین (ع) را بخواند، و خود هم در اثنای ذکر مصیبت می‌گریست. نوار آن را اغلب سالها در شب یا روز عاشورا، رادیو تهران پخش می‌کند و بسیاری شنیده‌اند.



[۲] شهید محراب، آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی یزدی.

[۳] حالت گریه داشتن.

[۴] روایت این است: «بدء الاسلام غریبا و سيعود غریبا كما بدء» یعنی، اسلام با غربت آشنا شد و عنقریب هم غریب خواهد ماند، همانطور که در آغاز بود.

[۵] بیانات امام خمینی در جمع وعاظ و روحانیون تهران در قم به تاریخ ۱۷ / ۴ / ۱۳۵۸، صحیفه نور، ج ۸، ص ۶۵.

[۶] از پیام امام فقید به ملت ایران در ۲ / ۱۱ / ۱۳۵۷، صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۱.

[۷] از بیانات امام خمینی در فرانسه در مورد تبلیغات اجانب علیه السلام و روحانیت در تاریخ ۱۴ / ۸ / ۱۳۵۷، صحیفه نور، ج ۳، ص ۸.

[۸] سرآغاز پیام امام فقید از پاریس به ملت شجاع ایران به مناسبت فرارسیدن ماه محرم در تاریخ ۱۱ / ۹ / ۱۳۵۷، صحیفه نور، ج ۳، ص ۲۲۵.

[۹] از پیام امام خمینی به ملت ایران به مناسبت کشتار وحشیانه‌ی رژیم در آستانه‌ی ماه محرم در تاریخ ۱۱ / ۹ / ۱۳۵۷، صحیفه‌ی نور ج ۱۴، ص ۹.

[۱۰] من رأی سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله، ناکثا لعهد الله، مخالفا لسنة رسول الله صلی الله علیه و آله، کان حقا علی الله ان یدخله مدخله. یعنی هر کس ببیند سلطانی را که محرمات خدا را حلال می‌شمارد، و پیمان خدا را می‌شکند، و برخلاف سنت رسول خدا عمل می‌کند، و در میان بندگان خدا با گناه و ظلم رفتار می‌نماید، و او با گفتار و کردارش بازندارد، بر خداست که او را هم با آن سلطان جائر وارد جهنم کند.

[۱۱] از پیام امام فقید از پاریس در مورد تکلیف شرعی مسلمین در برابر سلاطین جائر از دید پیشوایان معصوم در تاریخ ۱۸ / ۹ / ۱۳۵۷، صحیفه‌ی نور، ج ۴، ص ۴۱.

[۱۲] از پیام امام خمینی از پاریس به ملت مسلمان ایران به مناسبت فرارسیدن اربعین حسینی در تاریخ ۲۶ / ۱۰ / ۱۳۵۷، صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۳۵.

[۱۳] از بیانات امام فقید در جمع پاسداران انقلاب اسلامی قم، در تاریخ ۲۳ / ۲ / ۱۳۵۸، صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۵۵.

[۱۴] از بیانات امام فقید در جمع هیئت قائمیه تهران، در تاریخ ۱۰ / ۳ / ۱۳۵۸، صحیفه نور، ج ۷، ص ۳۶.

[۱۵] از بیانات امام خمینی در ۱۵ خرداد ۱۳۵۸ در مدرسه فیضیه قم.

[۱۶] از بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و پاسداران انقلاب اسلامی ارومیه، در قم به تاریخ ۱۵ / ۴ / ۱۳۵۸، صحیفه نور، ج ۸، ص ۴۴.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۲۳۳۳۰۴۵) (۰۳۱۱)





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

